استناد به این مقاله: پریرخ، مهری؛ زاهدی، مهدی (۱۳۹۱). بررسی نگرش اعضاء هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد درباره بهره گیری از مخزن سازمانی آن دانشگاه.
پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی،۲ (۲)،۳۲-۱۳.

# بررسی نگرش اعضاء هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد درباره بهره گیری از مخزن سازمانی آن دانشگاه[1]

دکتر مهری پریرخ[2]، مهدی زاهدی[3]

دریافت: ۱۳۹۰/۷/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۲۰

## چکیده

***هدف:*** *تولید منابع اطلاعاتی یکی از مأموریت‌های دانشگاه‌ها بشمار می آید و نقش مهمی در بقا و نیز توفیق آنها در رقابت‌های ملی و بین‌المللی دارد. مخزن سازمانی بستری است برای مدیریت و دسترسی به چنین منابعی. دانشگاه فردوسی مشهد نیز از سال ۱۳۸۶ اقدام به طراحی سیستمی (ساعد) برای گردآوری و سازماندهی تولیدات علمی اعضاء خود کرده است. بر همین اساس ضروریست که نظام طراحی شده متناسب با نیازهای کاربران آن باشد. ولی تا کنون مطالعه و نظرسنجی برای بررسی مشکلات استادان در ذخیره آثار صورت نگرفته است. از این رو، هدف این پژوهش شناسایی وضعیت استفاده اعضاء هیئت علمی از مخزن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.*

***روش:*** *این پژوهش کاربردی با روش پیمایشی و مطالعه موردی انجام گرفت. برای گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته میان تمام اعضایی که به صورت بالفعل از ساعد استفاده می‌کردند توزیع شد.*

***یافته‌ها:*** *یافته‌ها بیانگر دشوار بودن استفاده از ساعد برای بیشتر اعضاء هیئت علمی می‌باشد. بیشتر آنها در ثبت، تغییر و ویرایش اطلاعات با مشکل مواجه بودند. کمبود آموزش و عدم آموزش صحیح از مهم ترین علل عدم آشنایی با سیستم و وجود مشکل در ثبت آثار شناخته شد.*

***کلیدواژه‌ها:*** *مخازن سازمانی، مخزن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد، نظام اطلاعات علمی دانشگاه فردوسی مشهد، ساعد، نظام مدیریت اطلاعات، استفاده‌پذیری نظام مدیریت اطلاعات.*

---

[1] برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد

[2] استاد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد، mparirokh@gmail.com

[3] دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) mehdizahedin@gmail.com

**مقدمه**

بخشی از اطلاعات و دانشی که دانشمندان تولید می‌کنند توسط ناشران تجاری منتشر می‌گردد و بخشی دیگر، مانند آنچه در دانشگاه تولید می‌شود، اغلب بدون سازماندهی و غیر قابل دسترس در سازمان‌ها پراکنده است. بررسی مأموریت دانشگاه‌ها در این رابطه، اهمیت این موضوع و توان بالقوه آنها در تولید اطلاعات و دانش را نشان می‌دهد. کار و همکارانش (Carr et al. , 2008) این مأموریت را در سه عامل برمی‌شمارند: پیشبرد دانش از طریق پژوهش، اشاعه دانش از طریق آموزش و کمک به کاربرد دانش در جامعه. بنابراین ضروریست در دانشگاه‌ها بستری برای دسترسی به دانش تولید شده فراهم شود تا تلاش آنها در این رابطه در سطح ملی و بین‌المللی دیده شود. از این رو، دسترس‌پذیر ساختن دانش، یکی از مسئولیت‌های اصلی دانشگاه‌ها می‌باشد (Hahn et al. 2009).

مخازن سازمانی یکی از بهترین راه‌ها برای رسیدن به این مأموریت است. مخزن سازمانی یک «نظام آرشیوی دیجیتال شامل مجموعه‌ای از پایگاه‌های مرتبط و یکپارچه است که در یک بخش از یک سازمان و یا در سازمان بطور کلی ایجاد و نگهداری می‌شود. این مخزن بستری برای گردآوری، ذخیره‌سازی، حفاظت و نگهداری و اشاعه، یا به بیانی کلی مدیریت اطلاعات[۱] تولید شده توسط سازمان و نیز دسترس‌پذیر ساختن آن بشمار می‌آید[۲]» (زاهدی، ۱۳۸۹).

از مهم‌ترین مزیت‌های مخزن سازمانی می‌توان به افزایش پدیداری بر روی وب، نگهداری از محتوای دیجیتال، چارچوب عملیاتی برای مدیریت اطلاعات و اشتراک دانش اشاره کرد. با توجه به موارد بالا بسیاری از دانشگاه‌ها مخزن سازمانی خود را برای مدیریت اطلاعات طراحی کرده‌اند. بنابر آمار پایگاه مخازن دسترسی آزاد[۳] رشد مخازن سازمانی در حال افزایش می‌باشد و کمتر دانشگاه معتبری در سطح جهان را می‌توان یافت که دارای مخزنی سازمانی جهت اشاعه آثار و بروندادهای علمی خود نباشد. اهمیت این مخازن تا اندازه‌ای است که رتبه‌بندی خاصی نیز برای دانشگاه‌ها برپایه مخازن سازمانی توسط وبومتریکس[۴] ایجاد شده است (Aguillo, Ortega, Fernández, & Utrilla, 2010).

---

[۱] برای مفهوم مدیریت اطلاعات، تعریف های گوناگونی در متون ارائه شده است. در واژه نامه ادلیس (Reitz, 2004) مدیریت اطلاعات اینگونه تعریف شده است: "مجموعه فعالیت های تخصصی برای نظارت بر فراهم آوری، سازماندهی، ذخیره، امنیت، بازیابی و اشاعه منابع اطلاعاتی که برای پیشبرد موفق فعالیتهای سازمانی ضروری هستند".

[۲] برای آگاهی از تعریف های ارائه شده توسط متخصصان و نیز تجزیه و تحلیل هر یک از آنها به زاهدی (۱۳۸۹) مراجعه کنید.

[3] ROAR: http://roar.eprints.org

[4] Webometrics: http://repositories.webometrics.info

در این راستا، دانشگاه فردوسی مشهد نیز اقدام به طراحی نظامی برای گردآوری و سازماندهی اطلاعات علمی تولید شده توسط اعضاء هیئت علمی[۱] خود کرده است. در این پژوهش این نظام "نظام اطلاعات علمی دانشگاه فردوسی مشهد" و به اختصار "ساعد"[۲] نامیده می‌شود. "ساعد" به پیشنهاد معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه[۳]، و توسط مرکز آمار، اطلاعات و امور رایانه‌ای دانشگاه فردوسی مشهد[۴] طراحی شده است. از سال ۱۳۸۷ "ساعد" به عنوان بستری برای انجام فرایندهای خدمات پژوهشی[۵] نیز در نظر گرفته شد. لازم است اعضاء، جهت برخورداری از هر یک از خدمات پژوهشی، امتیار لازم را از طریق تولیدات علمی خود به دست آورند. بر اساس سیاست‌گزاری انجام شده، در صورتی که آثار اعضاء به نظام وارد شود، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و امتیاز لازم به آنها اختصاص می‌یابد. بنابراین، افزون بر آنچه گفته شد "ساعد" بستری برای ساماندهی سازوکار خدمات پژوهشی اعضاء هیئت علمی به شمار می‌آید. از آنجاکه کاربران نقش تعیین کننده‌ای در استفاده از نظام‌های اطلاعاتی دارند، بازخورد آنها می‌تواند اطلاعاتی غنی برای رفع مشکلات و کاربر مدار شدن آن نظام و افزایش رضایت کاربران ارائه دهد. ولی مشخص نیست که اعضاء هیئت علمی چه نگرشی نسبت به آن دارند.

## مرور نوشتار

در جهان پژوهش‌های کاربرمدار زیادی در زمینه مخازن سازمانی به انجام رسیده است. این در حالی است که طبق بررسی پژوهشگران تا زمان انجام این پژوهش (یعنی سال ۱۳۸۹) پژوهشی پیرامون این موضوع در ایران به انجام نرسیده است. آن چه در این بخش می‌آیدمروری بر پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور است.

در رابطه با واگذاری اطلاعات به مخازن سازمانی می‌توان به پژوهش‌های ون بنتوم (Vanbentum et al., 2001) و لاوال (Lawal, 2002)، اشاره کرد. پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که متخصصان

---

[۱] در این گزارش با توجه به شرایط متن از واژگان اعضاء هیأت علمی، عضو هیأت علمی، عضو و یا اعضاء با مفهومی یکسان استفاده خواهد شد.

[۲] بنا به ضرورت ممکن است گه گاه با نام نظام و یا مخزن سازمانی و یا نظام اطلاعات علمی دانشگاه از آن یاد شود.

[۳] از این پس با نام "معاونت پژوهشی" خوانده می‌شود.

[۴] از این پس با نام "مرکز رایانه" خوانده می شود.

[۵] مجموعه خدماتی که معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فردوسی مشهد به اعضاء هیئت علمی در رابطه با استفاده از فرصت مطالعاتی، شرکت در مجامع علمی خارج از کشور، طرح پژوهه، ترفیع، طرح تشویقی مقالات و ارتقاء ارائه می کند.

حوزه علوم نسبت به حوزه علوم انسانی برای پذیرش واگذاری مطالب علمی خویش مستعدترند. در همین رابطه نتیجه پژوهش فوستر و گیبونز (Foster & Gibbons, 2005) نشان داد که استادان شرکت‌کننده در این پژوهش آگاهی و تمایل بیشتری نسبت به سایر شرکت‌کنندگان در خودآرشیوی و همکاری داشتند.

در رابطه با مدیریت اطلاعات در مخازن سازمانی برخی از پژوهش‌ها (مانند Van Westrienen & Lynch, 2005 ; Lynch & Lippincott, 2005) به بررسی مشکلات خود آرشیوی پرداختند. از جمله مشکلات عمده شناسایی شده برای عدم شرکت اعضاء هیئت علمی در این امر عدم آگاهی استادان از مزایای خودآرشیوی، سردرگمی آنها در این امر، عدم اطمینان از قوانین مرتبط با مالکیت فکری، ناآگاهی از چگونگی استفاده از منابع اطلاعاتی ذخیره شده در مخازن سازمانی و فقدان خط مشی‌های الزام‌آور برای واگذاری مدارک می‌باشد. برخی از راهکارهایی که اعضاء هیئت علمی برای استفاده بهینه از این مخازن و نیز مؤثر بودن آنها پیشنهاد کردند به شرح زیر می‌باشد: تشکیل کمیته برنامه‌ریزی، آموزش و درگیرکردن تمامی دست اندرکاران مخازن سازمانی نظیر مدیران، کتابداران و اعضاء هیئت علمی، الزام در واگذاری آثار، پشتیبانی و تعهد طولانی مدت تمامی دست اندرکاران مخازن سازمانی و امکان جستجوی یکپارچه از طریق رابط کاربر فهرست پیوسته[1] کتابخانه. برخی پژوهش‌ها (مانند Lynch & Lippincott ; Wust, 2006; VanWestrienen & Lynch, 2005) حاکی از عدم آگاهی اعضاء هیئت علمی نسبت به مخازن سازمانی می‌باشند. در همین راستا، کیم (Kim, 2007) پیمایشی به منظور شناسایی عوامل مشوق اعضاء هیئت علمی با رتبه استاد تمام در استفاده از مخازن سازمانی انجام داد. یافته‌ها نشان داد که افرادی که در آینده قصد همکاری و سپردن آثار خود را به مخزن سازمانی داشتند، با دسترسی آزاد به آنها به طور کامل موافق بودند. همچنین به نظر می‌رسد که بودجه پژوهشی مشوقی برای خودآرشیوی نیست.

همانند نتایج پژوهش‌های یاذ شده، واتسون (Watson, 2007) نیز با بررسی رفتارها، نگرش‌ها و نگرانی‌های مولفان در استفاده از مخازن سازمانی، دریافت که با وجود توصیه‌های بسیار، اعضاء درباره این مخازن و اهداف آن آگاهی ندارند. همچنین بسیاری از اعضاء ترجیح می‌دادند تا کتابخانه کار آنان را انجام دهد و در نهایت خدمات پشتیبانی همچون در نظر گرفتن دستیار انتشاراتی برای کنترل خطاها قبل از انتشار فراهم آید.

در پژوهشی گسترده‌تر از لحاظ سازمان‌های مورد بررسی و رشته‌های دانشگاهی، جانتز و ویلسون (Jantz & Wilson, 2008) به بررسی واگذاری آثار اعضاء هیئت علمی به مخازن سازمانی و روش‌های

[1] OPAC

دسترسی به صفحه مخزن سازمانی در وب سایت دانشگاه‌ها پرداختند. توصیه‌های این پژوهش عبارتند از: پی بردن به فرهنگ پژوهش اعضاء هیئت علمی، الزام‌آور کردن خودآرشیوی، و افزایش نقش کتابداران دانشگاهی در گسترش مخازن سازمانی.

نتایج پژوهش گراندمن (Grundmann, 2009) نیز مانند پژوهش‌های (Lynch & Lippincott, 2005 and Van Westrienen & Lynch, 2005) نشان از نبود دید مثبت در اعضا نسبت به خود آرشیوی است. استادان معتقدند که این امر، برای آنها کار اضافی ایجاد می‌کند. به نظر گراندمن، آموزش و خدمات[1]، الزام سازمانی و افزایش پدیداری مخازن سازمانی می‌تواند استفاده از آنها را آسان کند. او همچون برخی از دیگر پژوهشگران (مانند Wilson, 2007 and Jantz & Wilson, 2008 ) به نقش کتابداران در گسترش این مخازن اشاره دارد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان داد که مخازن سازمانی در دهه اخیر مورد توجه بسیار قرار گرفته است. با توجه به مزایای مخازن سازمانی، بسیاری از سازمان‌های علمی و دانشگاهی از سال ۲۰۰۵ با برنامه‌های ملی توسعه مخازن سازمانی خود شروع به ساخت و توسعه این محمل‌های اطلاعاتی با رویکردهای جدید کردند. این برنامه‌ها، ملی و گاه منطقه‌ای و جهانی بوده‌اند[2]. توجه به کاربران، به عنوان عامل تضمین‌کننده گسترش و استفاده از این مخازن در پیشینه قابل شناسایی است. ولی در ایران تا زمان انجام این پژوهش و به ویژه در مورد ساعد پژوهشی صورت نگرفته است تا بتوان از دیدگاه اعضاء هیئت علمی در مورد وضعیت و نیز چگونگی بکار گیری آن اطلاعات لازم را بدست آورد. این اطلاعات می‌تواند بستر مناسبی برای گسترش و تحول در ساعد بوجود آورد.

## طرح پژوهش

هدف اصلی این پژوهش شناسایی وضعیت استفاده از مخزن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد است. دیگر اهداف این پژوهش عبارتند از سنجش میزان استفاده اعضاء هیئت علمی از ساعد و نیز بررسی انتظارات آنها از آن، شناسایی مشکلات و مسائل رودرروی اعضاء هیئت علمی در استفاده از ساعد، چالش‌های استفاده از ساعد، و ارائه پیشنهادهایی برای ارتقاء و کاربرمداری آن. انتظار می‌رود این توصیه‌ها در راستای ارتقاء نظام‌های مدیریت اطلاعات و افزایش کاربرمداری، مورد استفاده طراحان قرار گیرد.

[1] Outreach and education

[2] Australian Research Repositories Online to the World (ARROW), Digital Academic Repositories(DARE), Focus on Access to Institutional Resources Programme (FAIR), SHERPA project (Securing a Hybrid Environment for Research Preservation and Access), Digital Repository Infrastructure Vision for European Research (DRIVER), etc.

جهت دستیابی به اهداف پژوهش، پرسش‌های زیر طرح شد:

۱. ایده و نظر اعضاء هیئت علمی درباره استفاده از ساعد به عنوان یک مخزن سازمانی چگونه است؟

۲. اعضاء هیئت علمی با چه چالش‌هایی در هنگام استفاده از ساعد مواجه می‌شوند؟

این پژوهش کاربردی به روش پیمایشی و مطالعه موردی انجام گرفت. جامعه پژوهش آن گروه از اعضاء هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد هستند که با رتبه استادیار به بالا مشغول فعالیت می‌باشند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از معاونت پژوهشی، در زمان انجام پژوهش ۴۳۴ نفر کم و بیش با نظام سروکار داشتند. در مورد این جامعه به دو دلیل از نمونه‌گیری صرفنظر شد. نخست آنکه بتوان به بازخورد دقیق‌تر و همه جانبه‌ای از نظام دست یافت. دوم، از خطای نمونه‌گیری جلوگیری کرد. از این رو، بر پایه سیاهه طرح‌های پژوهه معاونت پژوهشی، افرادی که با نظام تعامل داشتند بر اساس گروه‌ها و دانشکده‌ها تفکیک شدند. پراکندگی استفاده‌کنندگان از این سیستم در ۱۳ دانشکده/مرکز در جدول ۱ نشان داده می‌شود.

جدول ۱. فراوانی اعضاء هیئت علمی دارای تعامل با نظام اطلاعات علمی دانشگاه

| ردیف | نام دانشکده/ مرکز | فراوانی | ردیف | نام دانشکده/ مرکز | فراوانی |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | دانشکده ادبیات و علوم انسانی | ۴۴ | ۸ | دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی | ۱۸ |
| ۲ | پژوهشکده علوم گیاهی | ۱ | ۹ | دانشکده علوم ریاضی | ۴۱ |
| ۳ | دانشکده الهیئت و معارف اسلامی | ۲۱ | ۱۰ | دانشکده کشاورزی | ۷۴ |
| ۴ | دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی | ۸ | ۱۱ | دانشکده منابع طبیعی ومحیط زیست | ۱ |
| ۵ | دانشکده دامپزشکی | ۳۴ | ۱۲ | دانشکده مهندسی | ۹۶ |
| ۶ | دانشکده علوم اداری و اقتصادی | ۳۲ | ۱۳ | آموزشکده کشاورزی شیروان | ۱ |
| ۷ | دانشکده علوم پایه | ۶۳ | | | |
| **جمع** | | | ۴۳۴ | | |

نظر سنجی بر اساس پرسشنامه محقق ساخته، که به صورت الکترونیکی و چاپی در جامعه پژوهش (کاربران/ واگذارکنندگان منابع اطلاعاتی[1]) توزیع گردید، انجام پذیرفت. بنا به ماهیت معیارها و شاخص‌ها، دو مقیاس رتبه‌ای (طیف پنج رتبه‌ای لیکرت) و اسمی برای گردآوری داده‌ها در نظر گرفته شد. بازه زمانی توزیع پرسشنامه‌ها برای نظرسنجی از اعضاء هیئت علمی سه ماه (زمستان ۱۳۸۸) بود. در این

[1] اعضاء هیئت علمی که تجربه ثبت اطلاعات تولیدات علمی خود را در مخزن موجود در دانشگاه فردوسی مشهد، داشته اند.

مدت در مجموع ۲۰۸ پرسشنامه گردآوری شد؛ یعنی حدود ۵۲٪ از افراد به پرسشنامه پاسخ دادند. ۱۵ عضو در فرصت مطالعاتی بودند و ۱۷ نفر نیز در مراحل اولیه مطالعه مورد مشاوره قرار گرفتند و بنابراین از جامعه حذف شدند.

برای تدوین پرسشنامه محقق ساخته، ابزارهای مورد استفاده در پژوهش های مشابه، معیارها، پیشنهادها و چالش‌های تعامل کاربران با مخزن سازمانی و برخی از معیارهای مورد نیاز در محیط اجرای پژوهش مورد توجه قرارگرفت. سؤال‌های طراحی شده در چند مرحله با حضور متخصصان بررسی و از نظرکمیت،کیفیت و صحیح بودن (یعنی تناسب سؤال با آنچه که باید مورد سنجش قرار گیرد) ارزیابی شد. در نهایت، پرسشنامه "بررسی نظر اعضاء هیئت علمی درباره نظام اطلاعات علمی دانشگاه فردوسی مشهد" با ۱۸ سؤال و در دو بخش کلی طراحی شد. انجام مراحل یاد شده تضمین‌کننده روایی پرسشنامه بود. انجام پیش آزمون و مقدار ۰/۹۸ برای آزمون آلفای کرونباخ پایایی ابزار را تایید کرد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس با روش‌های توصیفی تحلیل شد.

انجام این پژوهش با مشکلاتی نیز همراه بود. در زمان قرار گرفتن پرسشنامه الکترونیکی بر روی پرتال اعضاء، مرکز رایانه به تغییر پرتال‌های دانشگاه اقدام کرد و در این بازه زمانی -که دو تا سه هفته به طول انجامید- امکان ورود و استفاده از پرتال یکپارچه به سختی وجود داشت. پژوهشگران در برخورد حضوری با برخی اعضاء، شاهد گله‌مندی آنها از مشکلات به وجود آمده و نا آشنا بودن آنها با نسخه جدید بودند.

## تحلیل اطلاعات بدست آمده و ارائه یافته‌ها

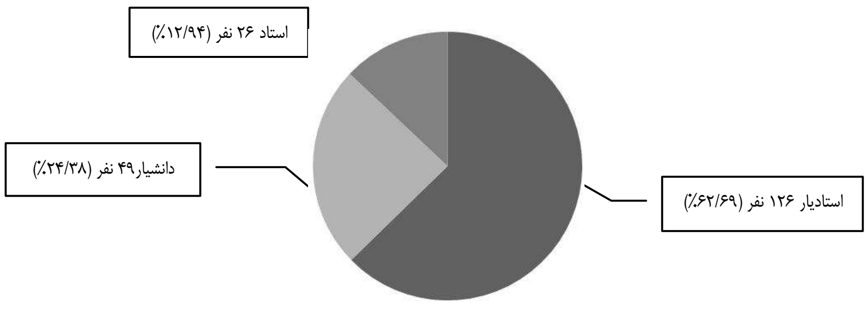
در این بخش پس از تحلیل اطلاعات جمعیت شناختی بر پایه یافته‌ها به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده خواهد شد. شرکت‌کنندگان در پژوهش، اعضاء هیئت علمی تمامی دانشکده‌های دانشگاه فردوسی مشهد بودند. بررسی توزیع شرکت‌کنندگان در پژوهش می‌تواند به شناسایی فرهنگ تولید و انتشار اطلاعات علمی و پژوهشی در دانشکده‌ها کمک کند. جدول ۲ این اطلاعات را ارائه می‌دهد.

جدول ۲. توزیع فراوانی رشته تحصیلی افراد پاسخ دهنده (n=208)

| ردیف | نام دانشکده | فراوانی | ردیف | نام دانشکده | فراوانی |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | مهندسی | ۳۱ | ۸ | تربیت بدنی و علوم ورزشی | ۴ |
| ۲ | کشاورزی | ۴۱ | ۹ | الهیات و معارف اسلامی | ۸ |
| ۳ | علوم ریاضی | ۱۶ | ۱۰ | ادبیات و علوم انسانی | ۱۳ |
| ۴ | علوم تربیتی و روانشناسی | ۱۶ | ۱۱ | پژوهشکده علوم گیاهی | ۱ |
| ۵ | علوم پایه | ۲۰ | ۱۲ | منابع طبیعی و محیط زیست | ۱ |
| ۶ | علوم اداری و اقتصادی | ۲۷ | ۱۳ | آموزشکده کشاورزی شیروان | ۱ |
| ۷ | دامپزشکی | ۲۹ | | | |

بر پایه اطلاعات جدول ۲ جامعه پاسخگو بر حسب دانشکده پراکندگی زیادی دارد؛ به نحوی که بیشترین پاسخگویان اعضای سه دانشکده کشاوزی، مهندسی و دامپزشکی بودند. اگر چه باید در نظر داشت تعداد اعضاء دانشکده‌ها تفاوت دارد، ولی بر اساس اطلاعات جدول ۱ مشخص شد که این تفاوت تأثیری در میزان مشارکت نداشته بلکه حوزه موضوعی فعالیت آنها تأثیرگذار بوده است. به بیانی دیگر اعضاء هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی، تعامل کمتری با نظام دارند. این امر در تأیید نتایج پژوهش‌های دیگر (مانند Vanbentum et al., 2001; Lawal, 2002; Jantz & Wilson, 2008) در مورد استفاده کمتر پژوهش‌گران حوزه‌های علوم انسانی از مخازن سازمانی در مقایسه با سایر حوزه‌های علوم می‌باشد.

از آنجاکه متغیر رتبه علمی می‌تواند بر تعداد تولیدات علمی و در نتیجه نیاز به آشنایی با نظام برای ذخیره‌سازی و مدیریت آثار تاثیر داشته باشد، این ویژگی نیز به عنوان یکی از اطلاعات جمعیت‌شناختی در پرسشنامه مورد توجه قرار گرفت.




شکل ۱. توزیع فراوانی رتبه دانشگاهی اعضاء هیئت علمی (n=201)

بر اساس شکل ۱، بیش از ۶۰٪ شرکت‌کنندگان دارای درجه استادیاری می‌باشند. این تعداد به طور تقریبی ۲/۵ برابر تعداد دانشیاران و ۵ برابر تعداد استادان است. از اینرو، می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از اعضاء هیئت علمی آثار علمی و پژوهشی زیادی نداشته و بنابراین برای ثبت آثار خود زیاد از نظام استفاده نکردند. به همین سبب، به چارچوبی مدون برای آشنایی آنان با نظام‌های دارای ارزش افزوده پژوهشی، همانند مخزن سازمانی، و نیز روش‌های جستجو در آن نیاز است. در رابطه با دو گروه استاد و دانشیار افزون بر آموزش، به دلیل کمبود وقت، بهتر است برای ثبت اطلاعات آثار در نظام به آنها کمک شود.

تعداد انتشارات اعضاء هیئت علمی هر دانشگاه نشان‌دهنده میزان تولید علمی و توجه آن دانشگاه به امر پژوهش است. هر چه حجم انتشارات بیشتر باشد، لزوم تدوین بسترهایی برای ثبت آنها به عنوان برونداد دانشگاه اهمیت می‌یابد. از این جهت از اعضاء درخواست شد تا تعداد آثار علمی خود را به تفکیک شش نوع منبع اطلاعاتی ذکر کنند. با توجه به زیاد بودن تعداد آثار، منابعی که از لحاظ مقدار/ فراوانی به یک گونه بودند در یک دسته، شامل مقاله مجله، مقاله همایش و پایان‌نامه هدایت‌شده کارشناسی ارشد و سایر منابع مشابه، مانند کتاب، طرح پژوهشی و پایان نامه هدایت شده دکتری در دسته‌ای دیگر قرار گرفت. در دسته نخست، بیش از ۵۰٪ اعضاء هیئت علمی بالغ بر ۱۱ مقاله در مجله‌ها و همایش‌ها داشتند و به صورت تقریبی ۵۲٪ از اعضاء هیئت علمی بیش از ۶ پایان نامه کارشناسی ارشد را راهنمایی نمودند. بنظر می‌رسد این سه نوع منبع بیشترین تولید را در دانشگاه داشته‌اند.

در دسته دوم، بین ۳۰-۴۰ درصد اعضاء هیئت علمی بین ۱ تا ۴ اثر منتشر کردند. به عبارت دیگر، بیش از نیمی از اعضاء کمتر از چهار اثر تولید کردند. همچنین می‌توان بیان کرد که با افزایش تعداد انتشارات در هر کدام از این سه نوع منبع، از تعداد افراد کاسته می‌شود. قانون لوتکا هم بر این امر اشاره دارد که تعداد کمی از افراد بیشترین تولیدات علمی را دارند (پائو، ۱۳۷۹). البته در رابطه با اعضاء هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، این قانون فقط در مورد منابعی مانند کتاب، طرح پژوهشی و پایان‌نامه دکترا، صادق است. اعضاء مورد بررسی از لحاظ تنوع آثار، تعداد انتشارات مناسبی داشتند. از این رو، ضروریست هم سیستم دانشگاه بتواند اطلاعات این آثار را به خوبی بازنمایی و دسترس پذیر کند و هم اعضاء با پذیرش و کاربرد مناسب نظام، اطلاعات آثار خود را روزآمد نگاه دارند.

## پاسخگویی به پرسش پژوهشی نخست

*ایده و نظر اعضاء هیئت علمی درباره استفاده از ساعد به عنوان یک مخزن سازمانی چگونه است؟*

این پرسش به دیدگاه اعضاء هیئت علمی نسبت به مخزن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد توجه دارد.

در حدود ۹۷٪ اعضاء هیئت علمی وجود چنین نظامی را مفید می‌دانند. این میزان موافقت می تواند نشان دهنده نگرش مثبت اعضاء هیئت علمی نسبت به نیاز به چنین نظام‌هایی باشد. البته عمده آنان استفاده از خدمات پژوهشی را جزء دلایل مفید بودن نظام می دانستند. به هر روی، برای تبدیل این نگرش بالقوه به بالفعل، لازم است سازوکارهایی اتخاذ شود تا استفاده از نظام را در زمینه‌های خدمات پژوهشی و نیز در رابطه با آموزش و پژوهش رواج دهد. پژوهشگران دیگر (مانند Vanbentum et al., 2001; Lawal, 2002; Pelizzari, 2004; Wust, 2006)، نیز دریافتندکه گرچه اعضاء هیئت علمی با مخزن سازمانی ناآشنا هستند اما واگذاری آثارشان به این مخازن علاقمندند.

از سوی دیگر و با توجه به اهمیت محتوای مخازن سازمانی، شناسایی انواع منابع و کسب مجوز برای دسترس‌پذیر ساختن آنها از جمله کارهای اولیه و مهم در توسعه این مخازن به شمار می‌آید ( Department of Education ..., 2003). در همین راستا، دو پرسش برای دریافت نظر اعضاء هیئت علمی طرح گردید. نخستین پرسش در مورد موافقت اعضاء هیئت علمی با ثبت انواع آثارشان در "ساعد" بود.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد فراوانی موافقت با ثبت انواع آثار (n=204)

| | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|---|---|---|---|---|---|
| فراوانی | ۷۴ | ۹۲ | ۲۸ | ۷ | ۳ |
| درصد | ۳۶/۳ | ۴۵/۱ | ۱۳/۷ | ۳/۴ | ۱/۵ |

تعداد زیاد (۹۰٪) افرادی که برپایه جدول ۳، موافقت خود را با ثبت آثار اعلام کردند، نشان می‌دهد که اگر مشکلات نظام برطرف شود، اعضاء همکاری خوبی خواهند داشت. برای تکمیل این اطلاعات، گویه دیگری با محوریت موافقت اعضاء هیئت علمی با ارسال متن کامل آثار خود به نظام ارائه شد. در این سؤال، ده گزینه (مقاله،کتاب،گزارش طرح پژوهشی، وبلاگ، طرح درس، جزوه، وب سایت، اسلاید، سخنرانی‌ها، و پایان‌نامه) در نظر گرفته شد. پاسخگویان امکان انتخاب بیش از یکی از آنها را داشتند. نزدیک به ۸۰٪ پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، نسبت به ثبت متن کامل مقاله خود نظر مثبت داشتند. افزون بر مقاله، آنان با ثبت گزارش کامل طرح پژوهشی (۴۱٪) و متن کامل پایان نامه‌ها (۳۶٪) هم موافقت داشتند. استقبال از ارسال مقاله، در مطالعات دیگر (مانند Vanbentum et al., 2001) نیز به چشم می‌خورد. ولی ضروریست در مورد رعایت حق مالکیت یا حق مؤلف آثار چاره‌اندیشی شود.

از موضوع‌هایی که در تداوم کار با نظام و استفاده از آن تأثیرگذار است، چگونگی ارسال آثار به "ساعد" می‌باشد. هدف از طرح این پرسش، کسب اطلاع از نظر پاسخگویان درباره فردی است که تا

زمان انجام این پژوهش اطلاعات منابع علمی استادان را در "ساعد" ثبت کرده است. نتایج بدست آمده نشان داد که به طور تقریب ۹۶٪ اعضاء هیئت علمی، آثارشان را خودشان به تنهایی ثبت کرده‌اند. اگر بتوان به شیوه‌ای مناسب آگاهی اعضاء را نسبت به نظام افزایش داد، مشارکت آنان در استفاده از نظام نیز افزایش می‌یابد. ولی قبل از هر نوع برنامه‌ریزی به سنجش میزان آشنایی اعضاء هیئت علمی با نظام نیاز است. اطلاعات بدست آمده در این رابطه در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد فراوانی میزان آشنایی اعضاء هیئت علمی با نظام (n=195)

| | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|---|---|---|---|---|---|
| فراوانی | ۱۳ | ۷۶ | ۸۳ | ۱۶ | ۷ |
| درصد | ۶/۶۷ | ۳۸/۹۷ | ۴۲/۵۶ | ۸/۲۱ | ۳/۵۹ |

همانگونه که اطلاعات جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، حدود ۴۶٪ از اعضاء هیئت علمی بیش از حد متوسط با نظام آشنایی دارند. بنابراین انتظار می‌رود تا حد قابل قبولی توانایی کار با نظام را داشته باشند. از طرف دیگر نزدیک به ۴۳٪ افراد معتقد بودند که در حد متوسط با نظام آشنا می‌باشند. این افراد به طور بالقوه می‌توانند جزء دسته پایین‌تر از حد متوسط یا بالاتر از آن قرار بگیرند، ولی قادر به تعیین میزان آشنایی خود با نظام در دسته بالا یا پایین نیستند. با توجه به اطلاعات ارائه شده در شکل ۱، می‌توان چنین برداشت کرد که چون بیشتر آنان دارای مرتبه استادیاری هستند و به دلیل تعداد آثار محدود کمتر از نظام استفاده می‌کنند میزان آشنایی خود را متوسط اعلام کرده‌اند. بررسی رابطه بین میزان آشنایی با "ساعد" و رتبه دانشگاهی نیز این گمان را تایید می‌کند. بنابراین، ضروریست برای همه اعضاء، به ویژه در این گروه، کارگاه‌های آشنایی با سیستم برگزار گردد.

افزون بر تأثیر رتبه دانشگاهی، نقش استفاده از فناوری های اطلاعاتی نیز در میزان آشنایی اعضاء با نظام قابل بررسی است. به نظر می رسد بین تجربه افراد در استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و میزان آشنایی آنان با "ساعد" رابطه مستقیم وجود دارد و به عبارت دیگر هر چه فرد از فناوری‌های اطلاعاتی بیشتری استفاده کرده باشد، نظام برای وی آشناتر است. آشنایی ۵۰ درصد اعضاء دارای رتبه استادی و دانشیاری با نظام، در حد زیاد و بیش از آن است اما این میزان از آشنایی در استادیاران کمتر از ۴۰ درصد می‌باشد. همچنین افرادی که در استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی از تجربه کافی برخوردارند بیش از دیگران با نظام آشنا بودند (بیش از ۳۰ درصد استفاده‌کنندگان از ساعد و نرم افزار WORD و ۲۰ درصد اعضاء دارای وب سایت شخصی). بر پایه اطلاعات بدست‌آمده بر پایه این دو متغیر تأثیرگذار (رتبه دانشگاهی و آشنایی

با سایر فناوری‌های اطلاعاتی) می‌توان نتیجه گرفت،کسانی که کمتر از نظام استفاده کرده‌اند و یا تجربه استفاده از فناوری‌های مشابه را نداشته‌اند، آشنایی کمتری با مخزن سازمانی دارند. با توجه به این یافته‌ها، ضروریست نه تنها امکانات مختلف برای آشنایی با فناوری مانند کلاس‌های آموزشی برگزار گردد، بلکه کارگاه‌هایی نیز برای آنان در رابطه با آشنایی با نظام تدارک دیده شود.

از طرف دیگر، عامل مهم دیگری که می‌تواند بر استفاده از نظام توسط اعضاء هیئت علمی کمک نماید، ترویج و اطلاع‌رسانی درباره ویژگی‌های آن است (جدول ۵).

جدول ۵. توزیع فراوانی و درصد فراوانی اطلاع رسانی در مورد نظام (n=194)

| | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|---|---|---|---|---|---|
| فراوانی | ۳ | ۱۴ | ۶۳ | ۶۸ | ۴۶ |
| درصد | ۱/۵ | ۷/۲ | ۳۲/۵ | ۳۵/۱ | ۲۳/۷ |

اطلاعات جدول ۵ نشان می‌دهد که به عقیده بیش از ۵۰٪ اعضاء هیئت علمی شرکت‌کننده در پژوهش، اطلاع‌رسانی در مورد نظام کم بوده است. تنها حدود ۹٪، اطلاع‌رسانی انجام شده برای معرفی نظام را درحد زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند. به هر جهت برای کاربردی‌تر شدن نظام و امکانات آن، باید معرفی مناسبی از آن برای اعضاء هیئت علمی انجام شود و هر گونه تغییر در نظام که بر استفاده اعضاء هیئت علمی از نظام تأثیرگذار است نیز به اطلاع آنان برسد. پژوهش‌های بسیاری (همانند Lawal, 2002; Van Westrienen & Lynch, 2005 ; Lynch & Lippincott, 2005; University of California, 2007) اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن به اعضاء هیئت علمی را از جمله عوامل تأثیرگذار بر استفاده از مخزن سازمانی دانسته‌اند. از جمله فعالیت‌هایی که آگاهی اعضاء هیئت علمی را نسبت به نظام افزایش می‌دهد برنامه‌های آموزشی مرتبط با نظام است (Kim, 2008). در پرسشنامه با هدف اطلاع از وضعیت آموزش درباره نظام، نظر اعضاء هیئت علمی در این رابطه بررسی شد. تنها ۸٪ از شرکت‌کنندگان در پژوهش در دوره آموزشی حضور داشته‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از اعضاء هیچ دوره‌ای برای آموزش شیوه استفاده از نظام نگذرانده‌اند.

دیگر مقوله مورد بررسی در پرسشنامه‌ها، وضعیت استفاده اعضاء از نظام به عنوان بستری برای ذخیره و نگهداری اطلاعات بود. به این منظور دو سؤال در پرسشنامه طرح شد. برای پاسخ به این قسمت، اعضاء باید مشخص می‌کردند که از چه ابزارهایی برای ذخیره اطلاعات آثار خود استفاده می‌کنند. چگونگی ذخیره و سازماندهی اطلاعات منابع منتشر شده توسط هر فرد، بیانگر نگرش او نسبت به استفاده از ابزارهای سازماندهی اطلاعات علمی است. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود کسی که جهت مدیریت اطلاعات آثار

خود از فناوری استفاده کند، از چگونگی استفاده از نظام نیز آگاه تر است و مشکل کم‌تری در استفاده خواهد داشت.

اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که هنوز گروهی از اعضاء به استفاده از ابزارهای سنتی برای سازماندهی آثار خود، گرایش دارند. ابزار دیگری که پس از "ساعد"، بیشتر مورد استفاده اعضاء هیئت علمی بوده نرم افزار WORD (حدود ۶۸٪) می‌باشد. اختلاف بین تعداد افرادی که از این ابزار استفاده می‌کنند با آنانی که با دیگر نرم افزارها مانند EXCEL, ENDNOTE و ... کار می‌کنند، چشمگیر است. کاربرد ابزارهای مبتنی بر فناوری، زمینه‌ساز استفاده بهتر و بیشتر از مخزن سازمانی می‌باشد. در همین راستا فوستر و گیبونز (Foster & Gibbons, 2005) کاربست ابزارهای دیجیتال در انجام پژوهش را بر افزایش تمایل اعضاء برای واگذاری آثار به نظام تأثیرگذار می‌دانند. در این پژوهش نیز ابزارهایی چون پست الکترونیک، واژه‌پرداز، صفحه گسترده، وب سایت‌ها و ... از ابزارهای مورد استفاده پژوهشگران بود.

افزون بر این باید اشاره کرد که اعضاء هیئت علمی برای نگهداری سیاهه منابع علمی خود از ابزارهای متفاوتی به صورت همزمان استفاده می‌کنند. این در حالی است که چنانچه آنان بتوانند به صورت مطلوبی از نظام استفاده کنند، ممکن است نیازی به استفاده از ابزارها و بسترهای متعدد نباشد.

سادگی استفاده از مخزن سازمانی عاملی است که نقش مستقیم در استقبال مداوم و گسترده اعضاء از آن دارد؛ زیرا اگر نظامی مفید، متناسب با نیازها و نوین طراحی شده باشد، ولی استفاده از آن برای کاربر آسان نباشد، میزان استفاده از آن کاهش می‌یابد. از این رو، نظر اعضاء درباره آسانی استفاده از نظام پرسیده شد.

جدول۶. توزیع فراوانی و درصد فراوانی نظر اعضاء هیئت علمی در مورد سادگی استفاده از نظام (n=192)

| | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|---|---|---|---|---|---|
| فراوانی | ۳ | ۴۵ | ۱۰۰ | ۳۰ | ۱۴ |
| درصد | ۱/۶ | ۲۳/۴ | ۵۲/۱ | ۱۵/۶ | ۷/۳ |

اطلاعات جدول ۶ نشان می‌دهد که برخلاف داده‌های جدول ۴ درباره آشنایی اعضا با نظام (۴۶٪ آشنایی زیاد و خیلی زیاد)، ۷۵٪ از آنها در کار با نظام دچار مشکل هستند. حتی افرادی که آشنایی بیشتری با نظام دارند نیز در استفاده از آن با مشکلاتی روبرو هستند. بر پایه اطلاعات بدست آمده و بحث‌های آن می‌توان در پاسخ به سئوال اول بیان کرد که همه پاسخ‌دهندگان به علت بهره‌گیری از خدمات پژوهشی از نظام استفاده می‌کنند. آنها خود، اطلاعات منابع تولید شده خود را وارد می‌کنند. بنابراین آشنایی با نظام

برای انها اهمیت زیادی دارد. گرچه بیشتر آنها اعلام کردند که با نظام آشنا هستند، ولی بیشتر آنها استفاده از آنرا مشکل می‌دانستند. کمبود اطلاع رسانی و نیز برنامه‌های آموزشی مرتبط با نظام این مشکل را بیشتر می‌نماید.

## پاسخگویی به پرسش پژوهشی دوم

*اعضاء هیئت علمی با چه چالش هایی در هنگام استفاده از ساعد مواجه می شوند؟*

پی بردن به مشکلات و چالش‌های پیش روی اعضاء هیئت علمی می‌تواند برنامه‌ریزان و توسعه‌دهندگان ساعد را در بهبود عملکردهای آن راهنمایی کند. یکی از سؤال‌های طرح شده برای شناسایی مشکلات، هدف از ثبت اطلاعات آثار در "ساعد" بود. انتخاب بیش از یک پاسخ برای این پرسش امکان‌پذیر بود. بیشتر اعضاء هیئت علمی هدف از ثبت اطلاعات علمی خود در نظام را استفاده از طرح پژوهه (حدود ۹۳٪)، ترفیع (حدود ۸۱٪) و طرح تشویقی مقالات (حدود ۷۵٪) اعلام داشتند. بنابراین، می‌توان استنباط کرد که خدمات پژوهشی دانشگاه، بیشترین انگیزه برای استفاده از نظام را در اعضا بوجود آورده است. سایر اهداف اعضاء از ثبت اطلاعات در "ساعد" به ترتیب تکمیل رزومه، شرکت در مجامع علمی خارج از کشور، فرصت مطالعاتی، دسترس‌پذیر ساختن آثار برای دیگران و در نهایت افزایش استناد به آثار بیان گردید. بر خلاف نتایج پژوهش کیم (Kim, 2007) که افراد برای دسترسی آزاد و استفاده عمومی از اثر خود، به استفاده از مخازن سازمانی رو آورده بودند، هدف بیشتر اعضاء دانشگاه فردوسی مشهد از ثبت آثار خود در "ساعد"، تحت تأثیر خدمات پژوهشی این دانشگاه است. این امر ناظربر الزامی است که از سال ۱۳۸۷ در ارسال آثار به نظام بوجود آمده است. چنین الزامی توسط جانتز و ویلسون (Jantz & Wilson, 2008) نیز توصیه شده است. دیگر پژوهش‌ها (مانند Lawal, 2002; Foster & Gibbons, 2005) مهم‌ترین دلایل ثبت آثار در مخازن را اشاعه سریع‌تر و گسترده‌تر، خواندن، بررسی، به اشتراک‌گذاری و دسترس‌پذیری آثار برای دیگران و جز آن می‌دانند. ولی در پژوهش حاضر، این هدف‌ها در اولویت نبوده است. با این وجود، ۴۳٪ از اعضاء دسترسی دیگران و نزدیک به ۲۴٪ از آنها افزایش استناد به آثار خود را در زمره اهداف خود دانسته‌اند. گرچه یکی از اهداف کوتاه مدت ایجاد این نظام در دانشگاه، تسهیل فرایندهای اداری- پژوهشی است، ولی از جمله اهداف بلند مدت، پدیداری اطلاعات علمی دانشگاه در وب و استفاده از آنها بوده است. با برنامه‌ریزی مدون و دقیق برای آموزش اعضاء هیئت علمی می‌توان شناخت آنها از اهمیت و ارزش افزوده دسترس‌پذیر ساختن آثارشان و استناد

به آنها را افزایش داد.

از دیگر چالش‌های پیش روی اعضاء هیئت علمی، نیاز به فرد جایگزین برای ثبت اطلاعات می‌باشد. گرچه ۹۶٪ اعضاء آثار خود را به تنهایی و بدون هیچ کمکی در نظام ثبت می‌کنند، اما ۶۰٪ آنان به علت‌های گوناگون (مانند نداشتن وقت، مشکل کارکردن با نظام و ...) خواهان ثبت آثارشان توسط دیگران هستند. پلیزاری (Pelizzari, 2004) نیز دریافت که به نظر اعضاء، فرد دیگری مانند کارمندان فنی و یا اجرایی بخش یا دانشکده باید اطلاعات آنان را به نظام وارد کند. برخی پژوهشگران (مانند Jantz & Wilson, 2008) معتقدند که کتابداران می‌توانند به عنوان میانجی بین اعضاء هیئت علمی و مدیران دانشگاه به گردآوری محتوا بپردازند. به باور آنان، کتابداران قادرند از طریق گفتگوهای غیر رسمی انگیزه همکاری اعضاء در واگذاری آثار خود را افزایش دهند. افزون بر دو پژوهش فوق، استفاده از کتابداران به عنوان افراد متبحر در این کار مورد اشاره دیگر پژوهشگران (Lam & Chan, 2007; Palmer et al., 2008) نیز قرار گرفته است.

از این رو، از اعضایی که وجود جایگزین برای ثبت اطلاعات را لازم دانستند خواسته شد تا از بین شش گویه، مناسب‌ترین گزینه را پیشنهاد کنند (امکان پاسخگویی به بیش از یک گزینه وجود داشت). بنظر آنها مناسب‌ترین نهادها جهت ثبت اطلاعات، به ترتیب معاونت پژوهشی دانشکده (۵۷٪)، کارشناس گروه (۴۶٪) و معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه (۳۰/۶٪) است. بر پایه نظر پاسخ‌دهندگان، معاونت پژوهشی، به عنوان آغازگر و مسئول نظام، بیش از سایر نهادها مورد توجه است و بیشتر آن‌ها معتقدند که لازم استاین نهاد مسئولیت ذخیره و ورود آثار در نظام را بر عهده گیرد. همچنین، شاید چون کارشناس گروه به طور مستمر در جریان فعالیت‌های اعضاء قرار دارد، تعدادی از آنها این فرد را به عنوان مسئول ورود اطلاعات آثار انتخاب کردند. ولی مرکز رایانه دانشگاه، کتابخانه دانشکده و کتابخانه مرکزی، توسط تعداد کمی بعنوان مراکز مناسب برای این مسئولیت در نظر گرفته شدند. این درحالی است که در برخی از متون بر نقش کتابخانه در طراحی و پشتیبانی نظام و حتی ورود اطلاعات تأکید شده است. برای نمونه در پژوهش واتسون (Watson, 2007)، اعضاء هیئت علمی مایل بودند، کتابخانه آثار آنان را در مخزن سازمانی ثبت کند، زیرا درباره واگذاری کامل آثار خود به نظام اطمینان نداشتند. به هر جهت واگذاری آثار به نظام نیازمند آشنایی با برخی مسائل فنی و تخصصی (فراهم آوری فراداده مناسب، تعیین نقاط دسترسی معنادار و جز آن) است که بسیاری از اعضاء هیئت علمی از آن آگاهی ندارند. بنابراین، ضروری است فردی آگاه عهده‌دار راهنمایی پیوسته به آنان باشد و یا آن که خود، این مسئولیت را بر عهده گیرد.

از دیگر چالش‌ها در رابطه با استفاده از "ساعد"، سودمندی دوره‌های آموزشی برگزار شده برای اعضاء هیئت علمی است. به همین منظور از افرادی که تا زمان انجام این پژوهش در دوره آموزشی شرکت کرده بودند، خواسته شد تا نظر خود را درباره سودمندی و کاربرد آن دوره بیان کنند (جدول ۷).

جدول ۷. توزیع فراوانی و درصد فراوانی سودمندی شرکت در دوره آموزشی مرتبط با نظام (n=15)

| | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|---|---|---|---|---|---|
| فراوانی | ۲ | ۴ | ۶ | ۲ | ۱ |
| درصد | ۱۳/۳ | ۲۶/۷ | ۴۰ | ۱۳/۳ | ۶/۷ |

اطلاعات جدول ۷، نشان می‌دهد که حدود ۲۰٪ شرکت‌کنندگان در دوره آموزشی آن را نامطلوب، ۴۰٪ آن را متوسط و ۴۰٪ آنرا سودمند دانسته‌اند. در همین راستا، داده‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که تا چه میزانی آموزش‌دیده‌ها معتقدند می‌توانند از آموخته‌های خود در عمل استفاده کنند.

جدول ۸. توزیع فراوانی و درصد فراوانی نظرات در مورد کاربرد دوره آموزشی در زمان استفاده از نظام (n=15)

| | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|---|---|---|---|---|---|
| فراوانی | ۲ | ۳ | ۹ | ۱ | ۰ |
| درصد | ۱۳/۳ | ۲۰ | ۶۰ | ۶/۷ | ۰ |

طبق اطلاعات جدول شماره ۸، اکثر پاسخگویان (۶۰٪) کاربرد دوره آموزشی را در حد متوسط دانستند. بنظر می‌رسد نوع آموزشی که برگزار شده برای نزدیک به ۳۳٪ اعضاء هیئت علمی راضی کننده بوده است؛ بنابراین لازم است نه تنها به تعداد، بلکه به کیفیت دوره‌های آموزشی نیز توجه شود. از آنجا که تا کنون بیش از دو یا سه جلسه برگزار نشده است، انتظار می‌رود برگزاری بیشتر آموزش‌های با کیفیت و مداوم به افزایش بهره‌وری آنها و در نتیجه تثبیت یادگیری اعضاء بیانجامد.

اگر چه نزدیک به ۹۲٪ از اعضاء در دوره‌های آموزشی برگزار شده شرکت نکرده‌اند، ۶۸٪ از آنها نیاز به آموزش برای استفاده از نظام را اعلام داشتند. از آنجاکه روش آموزش می‌تواند بر میزان مشارکت و یادگیری افراد اثر گذارد از آنها در مورد روش‌های آموزش مناسب سؤال شد. افرادی که نیاز به آموزش داشتند می‌توانستند در پرسشنامه، نوع و روش آموزش دلخواه خویش را برگزینند (امکان انتخاب بیش از یک گزینه وجود داشت). سمینارهای نمایش امکانات نظام توسط ۲۰٪ از پاسخ‌دهندگان و و دیگر روش‌ها توسط حدود ۴۰-۵۰ ٪ آنها انتخاب شد. بنظر می‌رسد ترکیبی از چهار روش بروشور، دستنامه الکترونیکی آموزشی، کمک آنلاین و کارگاه آموزشی می‌تواند تمام نیازها را پوشش دهد. از این رو، کاربرمدار

کردن آموزش‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

از مهم‌ترین موارد برای دسترس‌پذیر کردن اطلاعات مخزن سازمانی، مکانی است که اطلاعات وارد شده به نظام قابل جستجو و نمایش است. تا زمان توزیع پرسشنامه‌ها، تنها راه دسترسی به اطلاعات اعضاء هیئت علمی، صفحه خانگی آنان بر روی وب سایت دانشگاه بود. این شیوه برای دسترسی به منابع تولیدشده توسط تمام اعضاء بسیار وقت‌گیر است. به همین دلیل از اعضاء درخواست شد تا نظر خود را درباره میزان مناسب بودن شیوه دسترسی به اطلاعات اعلام کنند. حدود ۶۰٪ اعضاء از مکان نمایش اطلاعات، به میزان زیاد و یا خیلی زیاد راضی بودند؛ ۳۰٪ درباره این مکان تردید داشتند و۱۰٪ آن را مناسب نمی‌دانستند. تهیه صفحه خاص پژوهشگران، ویژگی مناسبی است که برخی از صاحبنظران (Foster & Gibbons, 2005) آن بر ضرورت آن تاکید داشته‌اند. اما آنچه که منجر به استفاده کارا از این اطلاعات می‌شود، دسترس‌پذیر ساختن آن در مکانی مناسب است که کاربران بتوانند به سادگی آن را تشخیص داده و با سهولت از آن استفاده کنند. بنابراین، از افراد مردد یا ناراضی از مکان نمایش اطلاعات درخواست شد مکان مناسب برای دسترسی به آثار را (با امکان انتخاب بیش از یک گزینه) اعلام کنند. از نگاه آنان، به ترتیب وب‌سایت دانشکده، صفحه اصلی وب‌سایت دانشگاه، وب‌سایت معاونت پژوهش و فناوری و وب‌سایت مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه مرکزی و در نهایت وب‌سایت مرکز آمار، اطلاعات و امور رایانه‌ای دانشگاه مناسب‌ترین مکان‌ها جهت دسترسی به آثار و دستاوردهای اعضاء اعلام شد. ولی شرکت‌کنندگان در پژوهش جانتز و ویلسون (Jantz & Wilson, 2008) مهم‌ترین مسیرهای دسترسی به صفحه آغازین مخزن سازمانی دانشگاه را صفحه‌های ارتباط علمی، صفحه مخصوص اعضاء هیئت علمی دانشکده‌ها، مجموعه‌ها و منابع الکترونیکی دانشگاه و صفحه آغازین کتابخانه دانستند. این پژوهشگران، وب‌سایت کتابخانه را بهترین مکان برای اشاعه آثار اعضاء اعلام داشتند؛ چراکه آگاهی آنان از مخزن سازمانی و تعداد واگذاری آثار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مشکلات استفاده از نظام می‌تواند در نگرش کاربران نسبت به آن تأثیرگذار باشد. از اینرو، از افرادی که کار با نظام را ساده نمی‌دانستند، با ارائه امکان انتخاب بیش از یک پاسخ درخواست شد که مشکلات آنرا بیان کنند. بنظر آنها به ترتیب ثبت اطلاعات در نظام (حدود ۷۱٪)، اصلاح اطلاعات وارد شده قبلی (۴۵٪) و کمبود وقت برای ثبت اطلاعات (۴۱٪) چالش برانگیزترین موارد شناخته شد. از آنجا که واگذاری صحیح منابع و ارسال اطلاعات ، شالوده و بنیان سایر فعالیت‌ها در نظام می‌باشد، توجه ویژه برای کاهش مشکلات در این بخش ضروریست. پیچیدگی استفاده از نظام (۳۷٪)، عدم جذابیت آن (۳۲/۶٪)،

ساختار نمایش و ارائه اطلاعات در صفحه (حدود۳۰٪) و نشان دار کردن مدرک (۲۵/۶٪) از جمله مشکلات دیگری بودند که بیش از ۲۵٪ افراد به آنها اشاره داشتند. این موارد در ارتباط با تعامل کاربر با نظام می‌باشد. لازم به توضیح است که بررسی محیط رابط کاربر نظام هدف این پژوهش نبوده است، اما بر اساس مسائل بیان‌شده می‌توان دریافت که در این رابطه نیز مشکلاتی وجود دارد. در نهایت وجود مشکلات چندجانبه که مورد اشاره قرار گرفت می‌تواند بر میزان رضایت کاربران و کاربرد داوطلبانه و همراه با خرسندی آنها از نظام تأثیر داشته باشد. پژوهش داکتر و رامچنران (Doctor & Ramachandran, 2008) نیز در تایید این امر است.

## نتیجه‌گیری

استفاده‌کننده اصلی "ساعد"، اعضاء هیئت علمی می‌باشند. آنان برای استفاده از خدمات پژوهشی دانشگاه ناچار به استفاده از "ساعد" و ثبت آثار خود در آن هستند. بنابراین، به هر نحو ممکن اطلاعات خود را در "ساعد" ثبت می‌کنند. بر همین مبنا، توسعه نظام به گونه‌ای که ثبت سریع و آسان آثار علمی را امکان‌پذیر نمایدضروریست. تا زمان انجام این پژوهش، مطالعه‌ای در مورد این نظام انجام نشده است واین پژوهش نخستین نظرسنجی و ارزیابی مخزن سازمانی دانشگاه بشمار می‌آید. نتایج نشان داد که استفاده از ساعد برای بیشتر اعضاء مشکل است و نبود آموزش از مهم‌ترین دلایل آن می‌باشد. بسیاری از اعضاء آموزش چگونگی استفاده از نظام را ندیده‌اند و از فرایند ثبت آثار در "ساعد" ناآگاه هستند. وجود مشکل به ویژه در مرحله ثبت آثار، مشکلاتی را در کل فرایند ذخیره و بازیابی بوجود می‌آورد و در نهایت باعث می‌شود دست‌یابی به هدف‌های "ساعد" با دشواری همراه شود. برپایه یافته‌های این نظرسنجی می‌توان بیان داشت که استفاده از "ساعد" تا حد زیادی در بین اعضاء هیئت علمی نهادینه شده است. گرچه نباید اثر الزام برای استفاده از خدمات پژوهشی بر این امر را نادیده گرفت ولی همراهی مناسبی از سوی اعضاء مشاهده می‌شود.

به هر روی، اجرایی شدن پیشنهادهای این پژوهش می‌تواند در رفع مشکلات آن تأثیر گذار باشد. همچنین دستیابی به هدف‌های مورد انتظار اعضای هیئت علمی و نیز هدف‌های یک مخزن سازمانی به ویژه در افزایش استفاده‌پذیری، دسترسی و پدیداری آثار و دانشگاه، موفقیت‌های بیشتر در استفاده از نظام و گرایش بیشتر به آن در گروی توجه به پیشنهادهای کاربردی چنین پژوهش‌هایی است.و نظام را به برساند.

از سویی، این پژوهش مبنایی را برای پژوهش‌های آینده در رابطه با نظرسنجی و مطالعه برای طراحی

رابط کاربر مناسب، مستندسازی پایگاه‌های اسامی و موضوع‌ها، استاندارد نمودن پایگاه‌های مورد استفاده و جستجو و فراهم کردن امکان میانکنش‌پذیری نظام فراهم می‌آورد.

## پیشنهادهای پژوهش

- کاربرد شیوه‌های آموزشی گوناگون برای آشنایی اعضا با "ساعد" و شیوه ثبت اطلاعات آثار در آن؛
- استفاده از کتابداران در کمک به ثبت آثار و نیز بهره‌گیری از دانش متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی در سازماندهی اطلاعات به ویژه در اختصاص فراداده برای توصیف آثار موجود در مخزن سازمانی دانشگاه، که باعث افزایش پدیداری آثار و استاندارد نمودن نظام می‌گردد؛
- فراهم کردن امکان دسترسی به آثار اعضاء (در ساعد) از طریق دروازه‌های اطلاعاتی مانند سایت کتابخانه مرکزی و در نظر گرفتن پیوندی در سایت دانشگاه و نیز سایت معاونت پژوهشی به آن؛
- باز طراحی و ارتقاء رابط کاربری ساعد با توجه به مشکلات اعضاء هیئت علمی در تعامل با آن؛
- برنامه‌ریزی برای اطلاع‌رسانی به شیوه‌های متنوع در مورد ساعد؛
- نظرسنجی مداوم از اعضاء و استفاده از نظرات در گسترش و تحول نظام.

## کتابنامه

پائو، میراندالی (۱۳۷۹). *مفاهیم بازیابی اطلاعات*. ترجمه اسدالله آزاد و رحمت الله فتاحی. مشهد: دانشگاه فردوسی.

زاهدی نوقابی، مهدی (۱۳۸۹). *بررسی مخزن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد و سنجش میزان همخوانی آن با معیارهای تخصصی*. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد.

Aguillo, I. F., Ortega, J. L., Fernández, M., & Utrilla, A. M. (2010). Indicators for a webometric ranking of open access repositories. *Scientometrics*, *82*(3), 477-486.

Carr, L., White, W., Miles, S., & Mortimer, B. (2008). Institutional Repository Checklist for Serving Institutional Management. In *Third International Conference on Open Repositories* (pp. 1-4), April, 2008, Southampton, United Kingdom.

Department of Education, Science and Training (2003). *Report of the Higher Education Information Infrastructure Implementation Steering Committee*, Retrieved Sep. 20, 2008, from www.dest.gov.au/highered/otherpub/heiiisc03/report.pdf.

Doctor, G., & Ramachandran, S. (2008). Considerations for implementing an institutional repository at a business school in India. *International Journal of Information Management*, *28*(5), 346-354.

Foster, N., & Gibbons, S. (2005). Understanding faculty to improve content recruitment for institutional repositories. *D-Lib Magazine*, *11*(1).

Grundmann, A. (2009). Increasing Self-Archiving of Faculty Publications in Institutional Repositories. *Open and Libraries Class Journal*, *1*(2). Retrieved Jan. 27, 2010, from http://www.infosherpas.com/ojs/index.php/openandlibraries/article/view/35/51

Hahn, K., Lowry, C., Lynch, C., Shulenberger, D., & Vaughn, J. (2009). *The university's role in the dissemination of research and scholarship—A call to action*. Washington, DC: Association of Research Libraries. Retrieved Jan. 27, 2010, from http://www.arl.org/bm~doc/disseminating-research-feb09.pdf

Jantz, R. C., & Wilson, M. C. (2008). Institutional Repositories: Faculty Deposits, Marketing, and the Reform of Scholarly Communication. *The Journal of Academic Librarianship*, *34*(3), 186-195.

Kim, J. (2007). Motivating and impeding factors affecting faculty contribution to institutional repositories. *Journal of Digital Information*, *8*(2).

Kim, Y. H., & Kim, H. H. (2008). Development and validation of evaluation indicators for a consortium of institutional repositories: A case study of dcollection. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, *59*(8), 1282-1294.

Lam, K. T., & Chan, D. L. (2007). Building an institutional repository: sharing experiences at the HKUST Library. *perspectives*, *23*(3), 310–323.

Lawal, I. (2002). Scholarly communication: the use and non-use of e-print archives for the dissemination of scientific information. *Issues in Science and Technology Librarianship*, 36, 1–16.

Lynch, C. A., & Lippincott, J. K. (2005). Institutional repository deployment in the United States as of early 2005. *D-Lib Magazine*, *11*(9).

Palmer, C. L., Teffeau, L. C., & Newton, M. P. (2008). Strategies for Institutional Repository Development: A Case Study of Three Evolving Initiatives. *LIBRARY TRENDS*, *57*(2).

Pelizzari, E. (2004). Academic authors and open archives: A survey in the social science field. *Libri*, *54*(2), 113-122.

University of California Office of Scholarly Communication, & California Digital Library eScholarship Program. (2007). Faculty Attitudes and Behaviors Regarding Scholarly Communication: Survey Findings From The University of California. Oakland: The University of California.

Van Westrienen, G., & Lynch, C. A. (2005). Academic institutional repositories. *D-lib Magazine*, *11*(9).

Vanbentum, M., Brandsma, R., Place, T., & Roes, H. (2001). *Reclaiming academic output through university archive servers*. Retrieved Sep. 18, 2008, from http://drcwww.uvt.nl/~roes/articles/arno_art.htm.

Watson, S. (2007). Authors' attitudes to, and awareness and use of, a university institutional repository. *Serials: The Journal for the Serials Community*, *20*(3), 225-230.

Wust, M. G. (2006). *Attitudes of education researchers towards publishing: open access and institutional repositories*. (M.A.). University of Alberta.